

محور مقاومت

و

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

نویسندگان:

ابوالفضل کریمی

مختار رحیمی

میثم قهرمانی

سرشناسه	کرمی، ابوالفضل، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	محور مقاومت و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی / نویسندگان ابوالفضل کرمی، مختار رحیمی، میثم قهرمانی.
مشخصات نشر	تهران: شاپرک سرخ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۹۸ ص.
شابک	978-600-463-011-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	اسرائیل -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰م.
موضوع	یهود و عرب
موضوع	Jewish-Arab relations
موضوع	Israel -- Politics and government -- 20th century
موضوع	اسرائیل -- روابط خارجی
موضوع	Israel -- Foreign relations
موضوع	اسرائیل -- سیاست نظامی
موضوع	Israel -- Military policy
شناسه افزوده	رحیمی، مختار، ۱۳۷۱ -
شناسه افزود	قهرمانی، میثم، ۱۳۷۰ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ک ۲۲۳/۳ DS۱۱۹/۶
رده بندی دیویی	۹۲۰۵۴/۹۵۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۵۰۸

عنوان: محور مقاومت و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی
نویسندگان: ابوالفضل کرمی - مختار رحیمی - میثم قهرمانی

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۶

ناشر: شاپرک سرخ

چاپ و صحافی: شاپرک

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شماره شابک: ۶۰۰-۹۷۸-463-۰۱۱-5

انتشارات شاپرک سرخ

تهران، میدان انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان آزادی، کوچه شهید جنتی، پلاک ۲۴

واحد ۱

۲۱۴۴۶۰۰-۰۹۱۲

۶۶۹۳۳۷۴۶-۰۲۱

www.shaparac.com

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به نویسندگان بود و هرگونه تکثیر و کپی برداری از این کتاب غیر قانونی میباشد و پیگرد قانونی خواهد داشت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
فصل اول: مباحث نظری	۱۷
مکتب کپنهاگ.....	۱۸
مفهوم امنیت در مکتب کپنهاگ.....	۱۹
بینالذهنی بودن امنیت.....	۲۰
مرجع امنیت.....	۲۰
دولت (امنیت ملی و نظام بین الملل).....	۲۱
جامعه (هویت و امنیت جامعهای).....	۲۲
امنیتی و غیر امنیتی ساختار.....	۲۳
امنیت منطقیهای در مکتب کپنهاگ.....	۲۵
الگوهای دوستی و دشمنی.....	۲۵
اختلافها و همبستگیهای نژادی و فرهنگی.....	۲۶
تغییر ساختار دو قطبی.....	۲۶
نتیجه گیری.....	۲۷
پی نوشتها.....	۳۰
فصل دوم: سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس و عوامل سازنده	۳۳
هویت.....	۳۴
مذهب.....	۳۷
صهیونیسم.....	۳۸
دولت.....	۴۲
جغرافیا.....	۴۵
نقش افراد (رهبران سیاسی).....	۴۸
ارتش (امنیت نظامی).....	۵۰
احزاب.....	۵۳

۵۵	افکار عمومی
۵۸	اتحادها و ائتلافهای منطقه ای و جهانی رژیم اشغالگر قدس و
۶۵	نتیجه گیری
۶۹	پی نوشت
۷۳	فصل سوم: مجموعه امنیتی محور مقاومت
۷۵	شکل گیری و ظهور گفتمان مقاومت
۷۹	محور مقاومت و مجموعه امنیتی خاورمیانه
۷۹	وابستگی امنیتی در مجموعه امنیتی محور مقاومت
۸۴	الگوهای دوستی و دشمنی در مجموعه امنیتی محور مقاومت
۸۶	هویت مجموعه امنیتی محور مقاومت
۸۹	نگاه ضد غربی انقلاب اسلامی و محور مقاومت
۹۰	هویت اسلامی - شیعی انقلاب اسلامی و محور مقاومت
۹۱	امت محوری
۹۲	عدالت محوری و ظلم ستیزی
۹۳	قاعده نفی سبیل
۹۴	تجربه تاریخی
۹۶	محور مقاومت و امنیت رژیم اشغالگر قدس
۹۸	امنیت نظامی
۹۹	امنیت اقتصادی
۱۰۱	امنیت سیاسی و اجتماعی
۱۰۲	چالشهای امنیتی پیشروی محور مقاومت
۱۰۳	کنشهای قدرتهای فرا منطقه ای
۱۰۶	کنشهای بازیگران منطقه ای
۱۰۷	کنش عربستان و محور سازش
۱۰۸	کنش رژیم اشغالگر قدس
۱۱۰	نتیجه گیری
۱۱۴	پینوشتها

فصل چهارم: سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس و محور مقاومت.....	۱۱۹
دکترین امنیتی رژیم اشغالگر قدس.....	۱۲۱
دکترین بازدارندگی.....	۱۲۲
دکترین بگین.....	۱۲۳
دکترین دفاع چند لایه.....	۱۲۴
طرح خاورمیانه جدید.....	۱۲۵
سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس.....	۱۲۷
سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس قبل از ۲۰۰۰.....	۱۲۸
دوران جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰).....	۱۲۸
ظهور اتحاد اول و شکلگیری حزب الله لبنان.....	۱۳۱
شکلگیری محور عربی.....	۱۳۲
سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس بعد از ۲۰۰۰.....	۱۳۳
عقب نشینی از جنوب لبنان (۲۰۰۰ م).....	۱۳۴
سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال حادثه ۱۱ سپتامبر.....	۱۳۸
جنگ ۳۳ روزه.....	۱۴۰
جنگ ۲۲ روزه.....	۱۴۳
سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵.....	۱۴۷
تهدیدات امنیتی رژیم اشغالگر قدس علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵۲
تهدیدات نظامی.....	۱۵۳
تهدیدات سیاسی.....	۱۵۴
تهدیدات اقتصادی.....	۱۵۵
تهدیدات اجتماعی و فرهنگی.....	۱۵۶
نتیجه گیری.....	۱۵۷
سخن پایانی.....	۱۵۹
پی نوشتها.....	۱۸۲
منابع.....	۱۸۷

مقدمه

هر بازیگری برای تدوین راهبردها و سیاست خارجی خود برای تاثیرگذاری لازم و تأمین اهداف و منافع ملی خود باید توجه جدی به امکانات و توانمندی‌ها و همچنین محدودیت‌های خاص خود داشته باشد. از محدودیت‌های جدی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی عدم مشروعیت این رژیم از طرف گروه‌های مقاومت و همسایگان عرب آن و جمهوری اسلامی ایران است. از طرفی، تاریخ یهود سرشار از احساس ناامنی و نداشتن یک سرزمین بومی است و آثار روانی و فرهنگی تاریخ یهودیان، هنوز هم بر ذهن و روان این قوم مسلط است. امروز نیز، ذهنیت در محاصره بودن از سوی اعراب، دغدغه‌های نالنی و حس عدم اطمینان نسبت به آینده بسیار گسترده است و هنوز هم موجودیت رژیم صهیونیستی مورد شناسایی واقعی قرار نگرفته است. از ابتدای تشکیل رژیم اشغالگر قدس همواره و نوع سیاست خارجی در این کشور اتخاذ شده است :

نخست: سیاست خارجی تهاجمی و ناگزیر از کاربرد قدرت سخت که معتقد به سیاست خارجی فعالانه می‌باشد.

دوم: سیاست خارجی تدافعی یا واکنشی که دارای این فلسفه است که دفاع از بقا، تنها دلیلی است که کاربرد قدرت سخت را به لحاظ حفظ امنیت موجه می‌کند.

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی دارای اهدافی هم‌چون بدست آوردن مشروعیت، کاستن از فشار افکار عمومی منطقه، تضعیف جریان معرر مقاومت و روی کار آمدن حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

در رژیم اشغالگر قدس هم در عرصه داخلی و خارجی، خشونت، توسعه طلبی و بحران ساختاری و محدودیت دیده می‌شود. در حقیقت نوعی دوگانگی در سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس حاکم است که باید بدان توجه نمود. رژیم اشغالگر قدس از یک سو توسعه طلب است و همواره در جهت توسعه و گسترش مرزهای سرزمینی،

قدرت و امنیت خویش در جنگ‌ها و تنازعات منطقه‌ای وارد شده است. از سوی دیگر، این رژیم آسیب پذیرترین محیط امنیتی را دارد. محیط منازعه‌آمیز منطقه‌ای که رژیم اشغالگر قدس در آن قرار گرفته به همراه وجود روابط استراتژیک با آمریکا و حمایت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور از رژیم اشغالگر قدس، بحث مهمی در بررسی سیاست خارجی این کشور است. استراتژی رژیم اشغالگر قدس در انطباق خویش با مشکلات منطقه‌ای از جمله افزایش قدرت محور مقاومت و بازیگران موثر در آن و وجود معارضان عرب و توجه به قدرت‌های بین‌المللی، منجر به ظهور یک سیاست نظامی محور تهاجمی گردیده است. این امر سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس را به سیاستی امنیتی تبدیل کرده است. لذا رژیم اشغالگر قدس همواره عوامل امنیتی را محور اصلی پارادایم سیاست خارجی خود دانسته است. رژیم اشغالگر قدس از زمان تاسیس تا کنون بلبحران امنیتی روبرو بوده و دغدغه بقاء داشته است. از این رو، ترس از انهدام کامل بر تمام افکار و مبرودیت صهیونیستی اثر گذاشته و چون همواره در نا امنی و جنگ زیسته، «بقاء» و «امنیت» را اولویت نخست و روزمره و محور اصلی استراتژی کلان خود قرار داده است. می‌گفته می‌شود که استراتژی رژیم اشغالگر قدس، اساساً یک استراتژی نظامی است که با سیاست خارجی آن در هم آمیخته شده است به گونه‌ای که سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس را نمی‌توان جدا و مجزا از سیاست امنیتی آن تصور نمود، بلکه از سال ۱۹۴۸ و شکل‌گیری این رژیم همواره سیاست خارجی آن در تعقیب و در راستای تحقق بخشدن به سیاست امنیتی آن با محورهایی همچون توسعه‌طلبی و تجاوزگری، توجه به خودکدایی و توجه به تکنولوژی و توصل به هم‌پیمانان بزرگ و غیره بوده است. براین اساس، رژیم اشغالگر قدس برای غلبه بر بحران امنیتی خود استراتژی‌های مختلفی را در پیش گرفته که عبارتند از:

- ۱- استراتژی اتحاد با قدرت‌های بزرگ
- ۲- استراتژی دسترسی به قدرت و توان برتر
- ۳- استراتژی توسعه سرزمینی و ایجاد مناطق حائل

۴- استراتژی صلح با همسایگان

گرچه این استراتژی‌ها تا حدودی با موفقیت به اجرا در آمده، ولی هدف رژیم اشغالگر قدس را که غلبه بر عوامل ایجاد کننده بحران امنیتی و دسترسی به وضعیت عاری از تهدید بوده، تحقق نبخشیده است. علت این امر این است که ماهیت و فرایند دولت‌سازی رژیم اشغالگر قدس فرایندی منحصر به فرد و متفاوت با فرایند شکل‌گیری دیگر دولت‌هاست و لذا تصنعی و تحمیلی بودن رژیم اشغالگر قدس علت اصلی بحران امنیتی این دولت بوده است. این ویژگی، انسجام درونی رژیم اشغالگر قدس و امکان انطباق و سازگاری آن با محیط و دولت‌های دیگر را محدود ساخته است. بر این اساس رژیم اشغالگر قدس هم از درون و هم از بیرون با مشکلات و مسائل اساسی و بحران‌های امنیتی روبرو بوده است.

در بررسی سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس، بدون تردید در کنار ماهیت (ویژگی‌های ذاتی و ماهوی) رژیم صهیونیستی که نقش بسزایی در سیاست خارجی و رویکرد امنیتی آن دارد، سایر عوامل خارجی و نیز داخلی نیز سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس را تحت تاثیر قرار داده‌اند که از جمله ایشان می‌توان به ساختار نظام بین‌الملل، اتحادهای منطقه‌ای و غیره به عنوان برخی عوامل خارجی و سیستمی و شکل دهنده به مجموعه امنیتی خاورمیانه، نیز خصوصیات جغرافیایی، گروه‌های داخلی، ویژگی‌های اجتماعی (فرهنگ)، افکار عمومی و غیره به عنوان عوامل داخلی اشاره نمود. این عوامل ماهیتی امنیتی و تهاجمی به سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس بخشیده است.

در این میان، سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال مجموعه امنیتی محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگرانی قدرتمند و تاثیر گذار در مجموعه امنیتی خاورمیانه از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. رابطه‌ی رژیم اشغالگر قدس با ایران و سیاست خارجی آن در قبال کشورمان، قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با فراز و فرودهای بسیاری همراه گردیده است. این رابطه با سپری نمودن طیف گسترده‌ای از روابط (امنیتی، اقتصادی و غیره) در دهه‌های ۱۹۶۰ و

۱۹۷۰ و وضعیت ایران به‌عنوان بخشی از کمربند پیرامونی رژیم صهیونیستی در دوران پهلوی دوم همراه بود. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر سیاست‌های ایران به سمت حمایت از فلسطین و شیعیان لبنان و تشکیل حزب الله لبنان، رژیم اشغالگر قدس موجودیت خود را از جانب محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران در خطر و آن را تهدیدی علیه امنیت و بقاء خود دانسته است. لذا رژیم اشغالگر قدس رفته رفته بر سیاست تهاجمی و خصمانه خود بر علیه بازیگران محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران افزود تا بدان‌جا که همراه با اقدام به تهدید نظامی علیه آنها، همواره منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران مقاومت را در منطقه و نیز در عرصه‌ی روابط بین‌الملل مورد تهدید و تهاجم قرار داده است. رژیم اشغالگر قدس همواره ایران، به‌عنوان محور اصلی مقاومت را به‌عنوان بزرگترین تهدید وجودی و هستی‌شناختی خود معرفی و در این راستا همواره به تهدید نظامی و نیز امنیتی ساختن جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده است. بطور نمونه مقامات رژیم اشغالگر قدس در ارها اذعان کرده‌اند در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر آن را مورد حمله نظامی قرار خواهند داد. همچنین در برابر توانایی ایران در دستیابی به چرخه صلح آمیز سوخت هسته‌ای، رژیم اشغالگر قدس و آمریکا، به‌عنوان هم‌پیمانان آن، اقدام به امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای انزوای ایران و محور مقاومت کرده‌اند.

این‌که چرا این مساله اتفاق افتاده است به دشمنی محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران با رژیم اشغالگر قدس و تخاصم گفتمان‌های حاکم بر این دو باز می‌گردد. گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب، از عامل فرهنگی - دینی تاثیر عمیقی پذیرفته است. گفتمان‌های استقلال طلبی و نفی سلطه، گفتمان اسلام‌گرایی و نفی برتری قومی و نژادی، گفتمان وحدت‌گرایی اسلامی و امت محوری و گفتمان حمایت قاطع از مستضعفین و مردم فلسطین و محور رژیم اشغالگر قدس و طرد نیروهای خارجی از منطقه همگی ناشی از این مساله هستند. از جمله مهمترین دلایل رژیم اشغالگر قدس برای تلقی جمهوری اسلامی ایران به عنوان

یک دشمن، علاوه بر سیاست‌های اعلامی و رسمی ایران و عدم شناسایی این رژیم اشغالگر به‌عنوان یک دولت، عبارتند از:

- ۱- حمایت ایران از گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی مخالف رژیم اشغالگر قدس
 - ۲- مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه
 - ۳- دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی (رژیم صهیونیستی با دستیابی ایران به چرخه سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز مخالف است چرا که معتقد است ایران در پی ساخت سلاح اتمی و تهدید رژیم اشغالگر قدس و برخی دیگر کشورهای منطقه و مبدل شدن به هژمون منطقه‌ای است).
- دلایل مذکور بسیاری عوامل دیگر به‌عنوان عوامل موثر بر سیاست خارجی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس در فصول دیگر این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این عوامل موجب رفتار تهاجمی و تهدیدات امنیتی رژیم اشغالگر قدس در قبال محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران در قالب ابعاد موسع امنیت (امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) گردیده است که می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود. دایره‌ای به‌گونه تهدیدات و رفتار تهاجمی رژیم اشغالگر قدس در قبال ایران از سال ۲۰۰۰ و خروج نیروهای نظامی رژیم اشغالگر قدس از جنوب لبنان و نیز بروز حادثه ۱۱ سپتامبر، شکست رژیم اشغالگر قدس در تهاجم به جنوب لبنان و حزب الله در طی جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶) و نیز شکست این رژیم در حمله به غزه و در تقابل با دولت قانونی حماس (۲۰۰۷-۲۰۰۸)، و نیز افزایش توانمندی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، گسترده‌تر گردیده است. حمایت جدی ایران از جریان مقاومت در لبنان، فلسطین، سوریه و عراق و غیره و ناتوانی رژیم اشغالگر قدس از تقابل با تهدیدات ناشی از افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت که ابعاد موسع امنیت رژیم اشغالگر قدس را به مخاطره انداخته است، موجب بروز رفتارها و سیاست‌های تهاجمی و خصمانه بیشتری از جانب رژیم اشغالگر قدس در قبال بازیگران محور مقاومت و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران گردیده است.

به طور کلی، در سال های اخیر، ماهیت و نیز شدت تهدیدات رژیم اشغالگر قدس بر علیه بازیگران محور مقاومت و در راس آن جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب دکترین امنیتی این رژیم، تغییر و تحولات چشمگیری داشته است. براین اساس، در پژوهش حاضر تلاش می شود تا با نگاهی تطبیقی، ضمن توجه به سیاست و رفتار تهاجمی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از سال ۲۰۰۰ م، مهمترین عوامل موثر بر سیاست خارجی تهاجمی رژیم اشغالگر قدس در این دوران مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

براین بناء، کتاب حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر می باشد که از رهگذر این مجهولات سعی در معلوم ساختن گزاره ها و متغیرهای پیش رو می باشد.

سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که رفتار سیاست خارجی تهاجمی رژیم اشغالگر قدس در سال های جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در سال های پس از خروج این رژیم از جنوب لبنان (۲۰۰۰ م) در مقایسه با سال های قبل از آن چگونه بوده است اصلی ترین سوالات فرعی این کتاب نیز بدین ترتیب پی ریزی شده است:

- مهمترین عوامل و زمینه های موثر بر شکل گیری سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس چیست؟

- مهمترین تاثیرات افزایش قدرت بازیگران مجموعه امنیتی محور مقاومت و در راس آنها جمهوری اسلامی ایران بر ابعاد موسع امنیتی رژیم اشغالگر قدس و سیاست خارجی این رژیم چیست ؟

- مهمترین دکترین امنیتی رژیم اشغالگر قدس و تحولات شکل گرفته شده در آن کدامند و تاثیر آنها بر سیاست خارجی این رژیم چیست ؟

براین اساس، فرضیه این کتاب نیز بدین قرار است که: افزایش قدرت محور مقاومت و در راس آن جمهوری اسلامی ایران و تهدید وجودی رژیم اشغالگر قدس در

سال‌های پس از خروج این رژیم از جنوب لبنان (سال ۲۰۰۰ م) موجب تهاجمی تر شدن رفتار سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت گردیده است.

متغیر مستقل این نوشته افزایش قدرت محور مقاومت است و همچنین، متغیر وابسته، سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. متغیر میانگیر این تحقیق ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم بر رژیم اشغالگر قدس و تصمیم گیرندگان موثر بر سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس و عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر این رژیم انتخاب شده است.

براین مباحث و با توجه به سوالات فرعی و اصلی و همچنین متغیرهای فوق سازماندهی کتاب حاضر بر بدین قرار است:

فصل اول کتاب : شامل مباحث نظری آن می‌باشد.

فصل دوم کتاب : مهمترین عوامل و زمینه‌های شکل دهنده به سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش مورد بررسی و مهمترین مفاهیم و مولفه‌های سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فصل سوم کتاب : ضمن بررسی مجموعه امنیتی محور مقاومت و مولفه‌های شکل-دهنده به آن، تاثیر افزایش قدرت آن بر ابعاد موسع امنیت رژیم اشغالگر قدس مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل چهارم کتاب : سیاست خارجی تهاجمی رژیم اشغالگر قدس در قبال محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از خروج نیروهای رژیم اشغالگر قدس از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ م مورد بررسی و عوامل موثر و نیز نتایج ناشی از آن مورد توجه قرار خواهد گرفت.